

رضایت از زندگی و دینداری در بین دانش آموزان دوره متوسطه (شهرهای فردوس، درگز و نواحی آموزشی ۴، ۵، ۷ مشهد)

مؤسسان عظیمی هاشمی

چکیده

این نوشتار بر مبنای پژوهشی با هدف شناسایی رضایت از زندگی و مؤلفه‌های آن و دینداری و وجوه آن و رابطه بین این دو متغیر در بین دانش آموزان نمونه تحقیق (۱۲۰۰ نفر از دانش آموزان دوره متوسطه شهرهای فردوس و درگز و سه ناحیه آموزشی ۴، ۵ و ۷ مشهد) تنظیم شده است. طرح نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای و ابزار سنجش، پرسشنامه می‌باشد. یافته‌ها نشان داد کمتر از نیمی از دانش آموزان نمونه تحقیق (۴۲/۵ درصد) از زندگی رضایت زیاد دارند و بیش از نیمی از آنان در حد متوسط از زندگی راضی هستند. بیشترین نسبت نارضایتی دانش آموزان از محیط زندگی است. رضایت از شبکه دوستی و مدرسه در مجموع به یکدیگر نزدیک است و در حد وسط رضایت از محیط زندگی و خانواده قرار دارد. وضعیت دینداری دانش آموزان نمونه حاضر نیز بر اساس مقیاس تحقیق در ابعاد اعتقادی و تجربی بسیار بالاست همچنین در بعد مناسکی و پیامدی دینداری نیز هر چند نسبت به دو بعد دیگر، میانگین امتیازات دینداری کمتر است، اما بالاتر از میانگین نظری است.

بررسی توزیع توأم دو متغیر دینداری و رضایت از زندگی نشان داد، هم‌تغییری مثبت بین این دو متغیر به وضوح قابل مشاهده است و دینداران از زندگی رضایت بیشتری دارند.
کلید واژه‌ها: رضایت از زندگی در میان نوجوانان، رضایت از مدرسه، رضایت از خانواده، رضایت از محیط زندگی، رضایت از دوستان، رضایت از خود، دینداری.

طرح مسئله

احساس خرسندی و رضایت از جنبه‌های مختلف زندگی، از مؤلفه‌های نگرش مثبت افراد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند. رضایت از زندگی با ارزش‌ها ارتباط نزدیک اما پیچیده‌ای دارد و معیارهایی که افراد بر اساس آن درک ذهنی خود را از سعادت ارزیابی می‌کنند متفاوت است. رضایت از زندگی در انسان نه تنها بازتاب ترکیب کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت فرایندهایی در سطح فردی است بلکه علاوه بر آن حاصل تعامل عوامل سطح فردی و فرهنگی است.

مطالعات تجربی در خصوص ارزش‌ها و نگرش‌ها در سطح ملل مختلف اثبات نموده است که از بین متغیرهای پیش‌زمینه اجتماعی، دینداری با احساس رضایت از زندگی همبستگی مثبتی دارد و تفاوت قابل توجهی در میزان احساس رضایت از زندگی بر حسب میزان دینداری افراد قابل مشاهده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

معمولاً انتظار می‌رود که ثمرات دینداری و ایمان مذهبی در ادراک، احساس و تمایلات رفتاری افراد در حیطه‌های مختلف زندگی و حتی در سطح نیازها و آرزوهای آنان نیز مشاهده شود. پژوهش حاضر در مقام پاسخگویی به این سؤال است که میزان و جهت ارتباط بین دینداری با رضایت از زندگی در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه چگونه است؟

تجربه شادمانی و خرسندی در زندگی به عنوان هدف اعلای وجود انسانی تلقی شده است (Annas، ۱۹۹۳؛ Kamman، ۱۹۸۹- به نقل از Laughlin، ۲۰۰۱) و بالعکس احساس غم و ناخرسندی اغلب به عنوان مانعی در راه انجام وظایف فرد که به ناتوانی وی در ایفای وظایف منجر می‌شود تلقی می‌گردد. اهمیت احساس سعادت‌مندی^۱ محققان را به این زمینه هدایت می‌نماید که چرا و چگونه افراد زندگی را به شیوه مثبت تجربه می‌کنند. در پذیرفته‌ترین مدل مفهومی احساس سعادت در دو بعد احساسی (احساسات مثبت و منفی) و شناختی که رضایت از زندگی نامیده می‌شود، مفهوم سازی شده (Diener، ۱۹۹۴؛ به نقل از Laughlin، ۲۰۰۱) و در برخی از پژوهش‌ها تمایز این دو بعد نیز نشان داده شده است. به طور مثال دایتر (۱۹۹۴) گزارش کرده است

که بعد احساسی راحت‌تر بر شرایط فیزیکی (مانند درد و بیماری) تأثیر می‌گذارد، درحالی که رضایت از زندگی این گونه نیست. علاوه بر این در یک پژوهش فراتحلیل، ویژگی‌های شخصیتی (پنج عامل شخصیتی) و رضایت در ارتباط قرار داده شده است. رضایت از زندگی قوی‌ترین همبستگی را با عامل خودآگاهی، احساس مثبت قوی‌ترین همبستگی را با برونگرایی و احساس منفی قوی‌ترین همبستگی را با عامل نوروپیک داشته است (Cooper, Deneve, ۱۹۹۸- به نقل از Laughlin, ۲۰۰۱).

رضایت از زندگی بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت فعلی او می‌باشد (کمبل و دیگران، ۱۹۷۶- به نقل از اینگلههارت، ۱۳۷۳: ۲۴۴). به عبارتی هر چه شکاف بین سطح آرزوهای فرد و وضعیت عینی وی بیشتر گردد، رضایتمندی کاهش می‌یابد، اما سطوح آرزوهای فرد به تدریج با وضعیت وی تطبیق خواهد یافت (همان).

رضایتمندی از زندگی بیانگر میزان ارضای تمایلات و نیازهای اساسی انسان است. رضایتمندی را می‌توان به عنوان ارضای نیازهای اساسی و ارزیابی و تلقی مثبت افراد از قلمروهای مختلف زندگی در نظر گرفت. اندک بودن پژوهش‌های انجام شده در زمینه رضایت از زندگی در بین نوجوانان، نشانه این است که قلمروهای رضایتمندی و تلقی مثبت از زندگی در گروه سنی نوجوانان یا دانش‌آموزان کاملاً متفاوت از بزرگسالان است و پژوهش در این حیطه نیازمند لحاظ نمودن مؤلفه‌های ویژه آنان است.

ادبیات علوم اجتماعی کلاسیک نتایج متناقضی درباره تأثیرات دینداری بر سلامت روان نشان می‌دهد؛ در حالی که مارکس و فروید تأثیر مذهب و کارکردهای آن را در زندگی انسان منفی تلقی می‌نمایند، یونگ و سورو کین دین را دارای آثار مثبت بر سلامت روان و زندگی اجتماعی می‌دانند. همچنین در آثار معاصرین نیز نتایج متفاوتی در مورد نوع ارتباط دینداری و سلامت روان و رضایت از زندگی مشاهده می‌شود که برخی آن را به جهت ماهیت چند بعدی دینداری دانسته‌اند. (Pollner, ۱۹۸۹ به نقل از Peqccok, Poloma, ۱۹۹۹) برای رفع این چالش، رویکرد جدیدی را در مفهوم‌سازی دین اتخاذ می‌کند و به جای توجه به مؤلفه‌های نهادین، تأکید خود را بر سنجش ارتباط با خدا و ماوراءالطبیعه قرار می‌دهد و با استفاده از داده‌های مرکز سنجش افکار ملی و تحلیل داده‌ها، همبستگی قوی بین ارتباط معنوی با سلامت روان و به ویژه چهار مؤلفه اساسی آن (خرسندی، انگیزه زندگی، رضایت از زندگی، رضایت زوجین) را به دست می‌آورد.

در تعدادی از پژوهش‌های مربوط به مردم آمریکا (۱۹۶۰، ۱۹۷۸، ۱۹۸۳) رابطه دینداری با رضایت از زندگی تأیید شده است. این یافته در مطالعات اینگلهارت در شانزده کشور دیگر نیز تأیید شد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۵۹) و نشانگر آن است که این یافته مختص به آمریکا نیست. در بررسی مذکور تفاوت در احساس سعادت ذهنی بر اساس دینداری به طرز قابل توجهی بیش از تفاوت بر حسب سن، جنس، درآمد و... است و تحلیل محقق از این یافته آن است که مذهب نقش مهمی در تطابق با بدبختی و مصیبت داشته و بیشتر آیین‌های مذهبی شخص را به تحدید آرزوها تشویق نموده و این امر احساس سعادت را به حد اکثر می‌رساند.

برخی از محققین تأثیر مثبت دینداری بر رضایت از زندگی را به علت توانایی دین به عنوان ملجائی برای حمایت از افراد می‌دانند که این حمایت می‌تواند احساسی، اعتقادی یا شناختی و حمایت مادی باشد (Elison و Glass، ۱۹۸۹- به نقل از Poloma، ۱۹۹۹). بعضی دیگر دینداری را به جهت معنابخشیدن به هدف زندگی و کیفیت زندگی در رضایتمندی مؤثر تلقی می‌نمایند (Pendleton، Poloma، ۱۹۸۹). در واقع آنها همبستگی قابل توجهی میان با معنا و هدفمند دانستن زندگی و رضایتمندی از آن را مد نظر دارند.

مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که آیا تفاوت قابل توجهی بین دینداری و مؤلفه‌های گوناگون آن با سطوح رضایت از زندگی در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه وجود دارد یا خیر؟ به عبارتی آیا سطح رضایتمندی دینداران از زندگی متفاوت از کسانی است که دینداری در بین آنها ضعیف‌تر است؟ آیا مؤلفه‌های رضایت از زندگی در دانش‌آموزان دیندار با کسانی که دینداری آنان ضعیف‌تر است تفاوت قابل توجهی دارد یا خیر؟

اهمیت و اهداف پژوهش

همان‌طور که پیش از این ذکر گردید رضایت از زندگی از مؤلفه‌های نگرش مثبت افراد به جامعه و دنیای پیرامون است. رضایتمندی جوانان از زندگی زمینه‌ساز تسری رضایت آنان به حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و بالعکس کاهش رضایت جوانان از زندگی، آثار فراوانی در سطح خرد، میانه و کلان خواهد داشت.

افزایش تنش‌ها و مشکلات رفتاری، ناامیدی، اضطراب، افسردگی و... از جمله آثار منفی نارضایتی از زندگی در سطح خرد است که در سطح میانه و کلان نیز پیامدهایی چون کاهش روحیه مشارکت‌جویی،

تعاون، اعتماد کنندگی، عام‌گرایی و... خواهد داشت. بنابراین بررسی تجربی دینداری در بین دانش‌آموزان و وضعیت گرایش دینی در بین آنان و نیز چالش‌ها و کاستی‌های احتمالی در این خصوص، از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که در جامعه ما شایسته ارزیابی و بازکاوی دقیق است. علاوه بر این از کاربردهای این بررسی تعیین و سنجش مؤلفه‌های رضایت از زندگی و دینداری در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه و تعیین کیفیت رابطه بین این دو متغیر و مؤلفه‌های آن است. بررسی ارتباط همبستگی بین این دو متغیر مشخص خواهد کرد که دینداری و تقید مذهبی تا چه حد در احساس رضایت دانش‌آموزان از زندگی دخیل است. سؤال اساسی این تحقیق چگونگی ارتباط بین دینداری و احساس رضایت از زندگی است. این هدف کلی به چند هدف جزئی تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱. شناسایی میزان دینداری دانش‌آموزان دوره متوسطه (شهرهای مشهد، فردوس و درگز) در ابعاد مختلف و بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه عقیدتی، مناسکی، تجربی و بعد پیامدی.
۲. شناسایی میزان رضایت از زندگی و مؤلفه‌های اساسی آن در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه (شهرهای مشهد، فردوس و درگز).
۳. بررسی میزان و جهت ارتباط همبستگی بین دینداری و رضایت از زندگی بر اساس ابعاد چندگانه دو متغیر.
۴. بررسی میزان و جهت ارتباط همبستگی بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده و...) با دینداری و رضایت از زندگی در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه در جامعه آماری.

مرور بر ادبیات پژوهش

در بررسی پیرامون نگرش‌های جوانان ایران (سازمان مشاوره جوانان، ۱۳۸۰) سلامت روانی از نظر مفهومی، معادل احساس رضایت، شادابی، نشاط، تعادل روانی، توانایی کنترل درونی و دارا بودن عملکرد سازنده تعریف شده است. نتایج تحقیق مذکور نشان داد افرادی که از سلامت روانی بیشتری برخوردارند، دیدگاه مثبت‌تری به زندگی و محیط پیرامون خود دارند. رضایت از خانواده، نگرش به خانواده و دوستان به عنوان عوامل مرتبط با سلامت روان مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شده که هر چه سطح سلامت روان دانش‌آموزان بالاتر باشد، نگرش به محیط پیرامون مثبت‌تر است. همچنین رابطه مثبت وضعیت اقتصادی با

سلامت روان و اعتقادات دینی، و اعتقادات دینی با سلامت روان تأیید شد. البته در این بررسی رابطه اعتقادات دینی با رضایت از محیط پیرامون بررسی نشده است. با توجه به نتایج این بررسی رضایت از خانواده و دوستان دو مؤلفه مهم رضایت از زندگی در بین دانش آموزان است و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده دانش آموز نیز بر نگرش‌های وی به محیط زندگی اش تأثیر دارد.

پژوهش‌های تهمد مذهبی و تعلق سیاسی، دینداری و بزهکاری (طالبان، ۱۳۸۰) و نگرش‌ها و رفتارهای نوجوانان تهرانی (سراج زاده، ۱۳۷۴) از حیث مفهوم‌سازی و تعریف عملیاتی چند بعدی دینداری و مبتنی بر الگوی گلاک و استارک، در بین دانش آموزان ایرانی می‌تواند به عنوان الگوی عملی در تعریف عملیاتی دینداری در بین دانش آموزان مد نظر قرار گیرد. همچنین به کارگیری گویه‌های آنان در سه بعد عقیدتی، مناسکی و تجربی، مبنایی برای مقایسه یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پیشین است. به نظر می‌رسد بعد پیامدی دینداری در این تحقیق باید در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر که رضایت از زندگی است، جداگانه تعریف گردد و در تعریف عملیاتی دینداری، تبعات دینداری و تجارب و اعتقادات دینی در نحوه نگاه به زندگی (رضایت یا نارضایتی) نیز لحاظ گردد.

رابطه جهت‌گیری درونی- بیرونی به دین، با سلامت روان در پژوهش رضامانی (۱۳۷۵) و پژوهش‌های پیشین تأیید شده است، یعنی دینداری از نوع جهت‌گیری درونی با سلامت روان همبسته است. اگر یکی از مؤلفه‌های سلامت روان را رضایت از زندگی بدانیم، تفکیک سنخ دینداری و مبتنی بر نوع جهت‌گیری در تعریف عملیاتی، ظرایف بیشتری از نوع ارتباط دینداری با رضایت از زندگی را روشن خواهد کرد.

در نظرسنجی رضایت از کیفیت محیط زندگی (مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما، بی‌تا)، مؤلفه‌های جزئی‌تری از کیفیت محیط زندگی، از قبیل امکانات آموزشی، تفریحی، هوای محله، بهداشت و ... و نیز رضایت از آنها مورد توجه قرار گرفته است که به نظر می‌رسد به دقت مؤلفه‌های شاخص رضایت از زندگی دانش آموزان (mslss) خواهد افزود.

بررسی چند پژوهش پیشین مربوط به خارج از کشور نیز در ابعاد نظری و روشی حاوی نکات ذیل است:

1. multidimensional satisfaction life students scale

در تحقیق کامرون (۲۰۰۱) اعتبار سازه‌ای و عاملی مقیاس رضایت از زندگی در یک مقطع زمانی (tswls) مورد ارزیابی قرار گرفته است (Diener, Pavot, ۱۹۹۸- به نقل از Cameron, ۲۰۰۱). نمونه مورد نظر ۲۲۳ نفر از دانشجویان رشته روانشناسی بودند که سه مقیاس رضایت از زندگی در یک مقطع زمانی و مقیاس احساس سعادت (SWB) که بیانگر اندازه کاملی از خوشنودی ذهنی در گذشته، حال و آینده و نیز مقیاس تلاش در جهت معرفی خود (SASS) است، در مورد آنها مورد ارزیابی قرار گرفت. این سه طیف برای سنجش رضایت از زندگی استفاده می‌شوند و در تحقیق مذکور میزان همگرایی این سه طیف سنجیده شده است.

برخی نکات در این تحقیق با اهمیت است:

الف- رضایت از زندگی در حوزه‌ای خاص متأثر از رضایت از زندگی در حوزه‌های ویژه زندگی مانند رضایت از کار، رضایت از اوقات فراغت و نیز سلامتی است (Diener, ۱۹۹۹- به نقل از Cameron, ۲۰۰۱).
ب- رضایت از زندگی در این تحقیقات «رضایت کلی از زندگی است» و در این تحقیقات بر اساس معیارهایی عمدتاً ذهنی اندازه‌گیری شده است و آن به این دلیل است که به مردم اجازه داده شود تا بر اساس نظام ارزشی شخصی خود، اهمیت هر حوزه‌ای از زندگیشان را بیان نمایند (Diener, Pavot, ۱۹۸۵, Diener, ۱۹۹۳).

ج- میان مثبت‌نگری و رضایت از زندگی در زمان حال، رابطه و پیوند وجود دارد و بر اساس آن رضایت از زندگی در زمان حال و آینده به یکدیگر مرتبط است (Chang, ۱۹۹۷, Lucas, ۱۹۹۶- به نقل از Cameron, ۲۰۰۱).

1. temporal satisfaction with life scale
2. subjective well being
3. global measure
4. self anchoring string scale

در پژوهشی با عنوان دنیاطلبی (ماتریالیسم) و نسبت آن با رضایت از زندگی (Dziurawiec, ۲۰۰۱)، مراد از ماتریالیسم علاقه به جستجو و تملک هر چیز با ارزش مانند زمین و ... تلقی شده است (Rochberg, ۱۹۸۱- به نقل از Dziurawiec, ۲۰۰۱). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دنیاطلبی با اعطاء نمودن به صورت اجباری (نارضایتی از اعطای چیزی به دیگران) احساس خوشبختی پایین و چشم و هم‌چشمی و بخل‌ورزیدن همبستگی دارد. خلاصه یافته‌ها آن است که کسانی که دنیاطلب‌تر هستند، کمتر شادمان بوده و از زندگی خود کمتر رضایت دارند و بالعکس در حوزه‌هایی همچون استاندارد زندگی (میزان تملک مادی)، زندگی خانوادگی (رضایت از همسر و فرزندان) و نیز میزان مسرت و شادمانی، آنان که کمتر دنیاطلبند از زندگی خرسندی بیشتری دارند. (Dawson, ۱۹۹۱؛ Sirgy, ۱۹۹۸- به نقل از Dziurawiec, ۲۰۰۱). براساس تحقیق مذکور اتخاذ سبک زندگی مبتنی بر دنیاطلبی، دارای رابطه‌ای منفی با رضایت کلی از زندگی و نیز رابطه‌ای منفی با رضایت از زندگی در حوزه‌های خاص است.

در این تحقیق نیز همچون بررسی پیشین، رضایت از زندگی در حوزه خاص متأثر از رضایت کلی فرد از زندگی خویش تلقی می‌شود و رضایت از زندگی در حوزه‌های خاص (مانند رضایت از خانواده، رضایت از اوقات فراغت، رضایت از وضعیت سکونت و...) نه فقط متأثر از محقق شدن انتظارات در آن حوزه، که متأثر از رضایت کلی فرد از زندگی و میزان مثبت‌نگری نیز می‌باشد. همچنین بر اساس نتایج تحقیق، رضایت از زندگی به صورت غیر مستقیم با میزان موفقیت و سلامتی جسمانی فرد رابطه مثبت دارد.

در تحقیق اکتشافی (Lackland, ۲۰۰۰)، رضایت از زندگی در میان دانشجویان ملیت‌های مختلف، عواملی همچون تعداد دوستان، رضایت مالی، احساس تبعیض و اطلاعات دریافت شده اولیه (قبل از ورود به محل اقامت) از عواملی هستند که بر رضایت از زندگی دانشجویان تأثیر دارند.

پژوهش درباره «اثرات متفاوت فشار برنامه‌ریزی بر روی رضایت از زندگی» (Dychyl و maknien, ۲۰۰۰)، به اثر یا اهمیت فشار و استرس بر رضایت از زندگی توجه داشته و برای استرس شش منشأ ذکر شده که مهم‌ترین آنها رقابت و فشار اقتصادی و سختی کار است. از جمله یافته‌های این تحقیق این است که افزایش سن، میزان رضایت از زندگی را کاهش می‌دهد که شاید به خاطر نقش فشارهای اقتصادی و رقابت باشد.

یافته‌های پژوهش «تجارب زندگی، جهت‌گیری کنترل درونی یا بیرونی و رضایت تحصیلی در بین نوجوانان» (Huebner, Laughlin, ۲۰۰۱) نشان می‌دهد که متغیرهای جمعیتی مانند پایگاه اقتصادی اجتماعی

بر رضایت تحصیلی تأثیری ندارند و بین تجربیات محیطی مهم مثبت یا منفی و رضایت از مدرسه رابطه‌ای متوسط وجود دارد. با استناد به نتایج مذکور در تئوری‌های رضایت از مدرسه، باید هم عوامل میان‌فردی و هم فشارهای محیطی را در نظر گرفت و رضایت فرد از مدرسه منشائی غیر از مدرسه (مانند خانواده) نیز دارد.

پژوهش «اولین مطالعه پیرامون مقیاس چندبعدی رضایت از زندگی در بین دانش‌آموزان و نوجوانان» (Laughlin, Hubner, ۱۹۹۹)، به معرفی «مقیاس چندبعدی رضایت از زندگی در بین دانش‌آموزان و نوجوانان» می‌پردازد. بررسی مذکور رضایت از زندگی را ارزیابی شناختی فرد از کیفیت زندگی خود می‌داند و با توجه به کاستی تحقیقات انجام شده در حوزه رضایت از زندگی در بین نوجوانان سنین مدرسه، به معرفی مقیاس مناسب نوجوانان و مؤلفه‌های آن می‌پردازد. این مقیاس دارای چهار گویه و پنج مؤلفه (خانواده، دوستان، محیط زندگی، مدرسه و خود) است که با توجه به روایی و اعتبار تأیید شده آن در چند پژوهش با کمی ویرایش گویه‌های آن، ابزار مناسبی برای سنجش رضایتمندی از زندگی در بین دانش‌آموزان می‌باشد.

پژوهشی با عنوان «دینداری و رضایت از زندگی»، (Poloma, Peacock, ۱۹۹۹)، رابطه بین دینداری و رضایت از زندگی را در بین گروه‌های هفت‌گانه سنی (از هجده سال به بالا) بررسی می‌نماید، هرچند که پژوهش مذکور از لحاظ موضوعی مشابه مسئله پژوهش حاضر است، اما مسئله اساسی آن تأکید بر روشن نمودن تأثیر متفاوت مؤلفه‌های دینداری بر رضایت از زندگی در بین گروه‌های سنی است. محققین تلاش خوبی در تعیین مؤلفه‌های دینداری و رابطه آن با رضایت از زندگی داشته‌اند و معتقدند که دینداری احتیاج به مفهوم‌سازی چندبعدی دارد و فراتر از یک مفهوم‌سازی عام مذهب است که شامل عقیده، فعالیت‌ها و اعمال مذهبی خاص و عام و حوزه تجربی گردد. فرضیه اصلی این است که سن به طور مثبت با رضایت از زندگی و نیز ابعاد متفاوت دینداری رابطه دارد، اما کمکی که دینداری در شرح رضایت از زندگی می‌نماید، در طول دوره زندگی تغییر می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش ارتباط قابل توجه بین تجربه دینی (اینکه شخص خودش را با خداوند نزدیک احساس نماید) با رضایت از زندگی را نشان داد، همچنین سن، یک ارتباط مثبت معنادار با همه مقیاس‌های دینداری دارد. از بین مقیاس‌ها، رابطه شخص با خدا، نایش متفکرانه و عضویت در کلیساها قویترین رابطه را با سن نشان دادند و تابعی از تجربیات نایش، حضور در کلیسا، نایش محاوره‌ای، نایش مناسکی و نایش ملتسانه بودند.

به طور مشابه، سن رابطه مثبت معناداری با رضایت از زندگی نشان داد. در حقیقت سن تنها متغیر جمعیت شناختی بود که رابطه معناداری با رضایت از زندگی حفظ کرد. همه مقیاس های دینداری به جز نیایش متمسانه، رابطه معنادار مثبتی با رضایت از زندگی داشتند.

جهت مثبت این روابط نشان می دهد که با افزایش سن، افراد دیندارتر و از زندگی راضی تر می شوند. در تحلیل چند متغیره تأثیر هر یک از شاخص های دینداری با ثابت نگه داشتن هر یک از متغیرهای جمعیتی بررسی شد تا تعیین گردد که آیا سن در حقیقت یک نماینده و شاخص مهم دینداری است یا خیر؟ اهمیت سن به عنوان یک متغیر جمعیت شناختی تأیید شد. سن رابطه مثبت معنادار با احساس نزدیکی با خدا، تجربه نیایشی، انواع نیایش ها، عضویت و حضور در کلیسا داشته است. رابطه بین سن و دینداری لزوماً خطی نیست. وقتی افراد به طرف سنین میانه ۴۵-۳۶ می رسند، سطوح دینداری آنها بهتر و بیشتر از سال های جوانیشان می شود.

در بررسی مذکور کانون توجه بر مفهوم سازی دینداری و تعیین مؤلفه های آن در بین گروه های سنی است و رضایت از زندگی به عنوان متغیر وابسته تحقیق، فقط با یک سؤال هفت گزینه ای (کاملاً ناراضی تا کاملاً راضی) مورد سنجش قرار گرفته است که به نظر می رسد یک سؤال نمی تواند ابعاد گوناگون سازه مذکور را در بین گروه های سنی و در بررسی حاضر در بین دانش آموزان مشخص نماید.

تعریف مفاهیم (مفهومی و عملیاتی)

رضایت از زندگی

رضامندی از زندگی بیانگر میزان ارضاء تمایلات و نیازهای اساسی انسان است. رضامندی را می توان به عنوان ارضای نیازهای اساسی و تلقی مثبت و احساس خوشایند افراد به قلمروهای مختلف زندگی در نظر گرفت. مؤلفه های پنج گانه مقیاس چندبعدی رضایت از زندگی در بین دانش آموزان شامل رضایت از خانواده، دوستان، مدرسه، محیط زندگی و خود، مهم ترین اجزای رضایت از زندگی برای دانش آموز در سن مدرسه است. پژوهش هیوبنر و لالین شواهدی را در تأیید استفاده از ابزار مذکور برای دانش آموزان

متوسطه فراهم می‌آورد. پایایی ابزار برای مقیاس کلی (حاوی ۴۰ گویه) ۰/۹۰ و دامنه ضریب پایایی در مقیاس‌های جزئی بین ۰/۷۷ تا ۰/۸۵ می‌باشد.

به نظر می‌رسد اضافه نمودن سه خرده‌مقیاس از مقیاس احساسات نسبت به حیات اجتماعی شوسلر (احساس دل‌زدگی، احساس سرزندگی و احساس ناامیدی) که پایایی خوبی داشته (میلر، ۱۳۸۰) و قرابت مفهومی با رضایت از زندگی دارند، به دقت و جامعیت مؤلفه‌های رضایتمندی خواهد افزود.

دینداری

مرور بر تعاریف عملیاتی دینداری در الگوهای پیشین (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۰) نشان می‌دهد که پژوهشگران عموماً دینداری را متغیری چندبعدي تلقی می‌نمایند که ابعاد آن با وجود جدایی معرفت‌شناختی در سطح هستی‌شناختی به یکدیگر ارتباط دارد. ابعاد ارائه شده از دو تا سیزده متغیر است. در بین ابعاد پیشنهادی گلاک و استارک دو بعد اعتقادی و مناسکی از سوی پژوهشگران بیشتر استفاده شده است. ابعاد تجربی و فکری یکسان و بعد پی‌آمدی کمتر از سایر ابعاد به کار رفته است. بنابراین ابعاد اعتقادی و مناسکی دو بعد مهم‌تر محسوب می‌شوند. بعد فکری یا دانش دینی هر چند که بر دقت سنجش می‌افزاید، در کشورهای همانند ایران که آموزش دینی در مدارس اجباری است، مؤلفه مناسبی نخواهد بود. کارایی هر الگوبستگی به نوع تحقیق دارد و جمعیت تحقیق و مسئله آن، نوع الگوی متناسب و ابعاد آن را تعیین می‌نماید. تحقیقات تجربی چندبعدي در خصوص دینداری عمدتاً در فرهنگ غربی صورت گرفته است.

الگوی گلاک و استارک

از ابتدای دهه ۱۹۶۰ اندیشه ماهیت چندبعدي دین مطرح شد. مشهورترین الگوی چندبعدي از دینداری از سوی گلاک و استارک مطرح شده است. هدف اصلی آنان از طرح این مباحث درک شیوه‌های مختلفی بود که مردم با توسل به آن خود را مذهبی تلقی می‌کردند. از نظر آنان حوزه‌های کلی دینداری که به عنوان ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفته می‌شود، پنج حوزه اساسی ذیل را شامل می‌شود:

۱. بعد اعتقادی: باورهایی که پیروان دین بدان اعتقاد دارند که این باورها به سه نوع تقسیم می‌شوند: باورهای مسلم که ناظر به شهادت دادن به وجود خداوند و معرفی ذات و صفات اوست. باورهای غایتگرا، که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش انسان در راه نیل به این هدف است. باورهای زمینه‌ساز، که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی را که بشر برای تحقق آن اهداف باید بدان توجه نماید، بیان می‌کند.

البته این دو دانشمند عنصر اهمیت را هم در نظر گرفته‌اند، به این معنا که یک باور خاص چه قدر برای فرد معتقد دارای اهمیت است. در هر حال سنجش عنصر اهمیت باور، از طریق سنجش سایر ابعاد دینداری فرد شامل مناسکی، تجربی و پیامدی صورت می‌گیرد.

۲. بعد مناسکی یا عمل دینی: اعمال دینی مشخصی که از پیروان هر دین انتظار می‌رود آن را به جا آورند. ایشان تأکید دارند در عملیاتی نمودن این بعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های مناسکی، تفاوت مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی شود.

۳. بعد تجربی یا عواطف دینی: احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا. برای تعریف عملیاتی این بعد مقیاسی را مطرح نمودند که چهار نوع از جلوه‌های عواطف دینی، (توجه، شناخت، اعتماد یا ایمان و ترس) را در بر می‌گرفت.

۴. بعد فکری یا دانش دینی: اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتب مقدس را که انتظار می‌رود افراد از آن مطلع باشند. این بعد، معرف مناسبی برای سنجش میزان دینداری فرد نیست، مگر اینکه گرایش‌های فرد در سایر ابعاد دینی، به خصوص در بعد اعتقاد دینی در نظر گرفته شود.

1. ideological

2. ritualistic

3. experiment

4. intellectual

۵. بعد پیامدی یا آثار دینی^۱: شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است (سراج زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۵-۱۶۴).

جهت سنجش دینداری در بررسی حاضر از مدل چند وجهی دینداری و الگوی گلاک و استارک که توسط طالبان (۱۳۷۸) بر دین اسلام انطباق یافته، استفاده شده است. علاوه بر آن در بعد پیامدی و بعد اعتقادی گویه‌های دیگری که محتوای آن ناظر بر ارتباط دو متغیر تحقیق، یعنی دینداری و رضایت از زندگی است به ابزار سنجش مذکور اضافه شده است.

روش شناسی

روش پژوهش حاضر پیمایشی، واحد تحلیل فرد و سطح تحقیق توصیفی و همبستگی است و قصد دارد میزان و نوع رابطه دینداری با رضایت از زندگی را مشخص سازد.

متغیرهای پژوهش و شیوه سنجش

متغیر وابسته در پژوهش حاضر رضایت از زندگی و متغیر مستقل اصلی دینداری است. علاوه بر متغیر اصلی، جهت طبقه‌بندی چند متغیر دیگر از جمله متغیرهای جنسیت، نوع مدرسه، رشته و پایه تحصیلی، شهر، تحصیلات و شغل والدین نیز مورد سنجش قرار گرفته است.

ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسشنامه است. رضایت از زندگی با استاد به گویه‌های مقیاس چندوجهی رضایت از زندگی در بین دانش‌آموزان و برخی از وجوه مقیاس احساسات نسبت به حیات اجتماعی شوسلر و متغیر دینداری چنان که گفتیم با استاد به مدل چندوجهی دینداری و الگوی گلاک و استارک که توسط طالبان (۱۳۷۸) بر اساس دین اسلام انطباق یافته، اندازه‌گیری شد.

1. Consequential

2. mslls

اعتبار^۱ و پایایی^۲

اعتبار سازه‌ای مقیاس چندبعدی رضایت از زندگی توسط لالین و دیگران (۱۹۹۹) به طور تفصیلی مورد بررسی قرار گرفته است و با استفاده از دیدگاه‌های همگرا^۳ یا ناهمگرا^۴ و تمیزگرا^۵، شاخص مذکور با شاخص‌های مشابه مقایسه شده است. در این مقایسه آنان مقیاس رضایت از زندگی را با یک مقیاس کلینیکی رفتاری بچه‌ها شامل ۱۸۸ گویه (Kamphaus, Reynolds, ۱۹۹۲) مقایسه نموده‌اند. مقیاس مذکور مناسب گروه سنی ۴ تا ۱۸ سال است که هر مقیاس می‌تواند به وسیله والدین، معلمان یا گزارش شخصی خود فرد به دست آید. این مقیاس دارای ۱۴ خرده‌مقیاس است که به دو طبقه اصلی بالینی و سازگاری تقسیم می‌شود. مقیاس‌های بالینی مشخصات منفی یا نامطلوب (اضطراب، افسردگی، جهت‌گیری کنترل، نگرش به مدرسه و معلمان و ...) و مقیاس‌های سازگاری خصوصیات مثبت و مطلوب (روابط بین شخصی، روابط با والدین، عزت نفس، اعتماد بین شخصی و ...) را منعکس می‌سازد. این مقیاس همبستگی درونی خوبی (دامنه ۰/۸۷-۰/۶۴) داشته و تحلیل عاملی با نمونه ملی نیز عوامل مفروض ساختی را تأیید نموده است (Regnolds, ۱۹۹۲) - به نقل از Laughlin, ۱۹۹۹).

در مجموع نتایج بررسی نشان داده است همبستگی بالایی بین اجزای مشابه این دو مقیاس وجود دارد. همچنین همبستگی منفی بین اجزای متفاوت مقیاس (مقیاس رضایت از زندگی با مقیاس‌های کلینیکی) گزارش شده است. در واقع اعتبار همگرا با مقایسه چهار نمره (چهار خرده‌مقیاس رضایت از زندگی به جز مقیاس رضایت از محیط زندگی) با مقیاس‌های مشابه در مقیاس ارزیابی رفتاری بچه‌ها حاصل شده است و اعتبار ناهمگرا نیز از طریق همبستگی منفی نمرات با مقیاس‌های منفی شاخص مذکور تأیید شده است. نهایتاً ارتباط

1. validity
2. reliability
3. convergent
4. divergent
5. discriminant

مثبت بین امتیاز کل دو شاخص در مجموع مؤید اعتبار سازه‌ای^۱ مقیاس در بین نوجوانان پایه‌های ۹ تا ۱۲ سال است و تحلیل عاملی نیز ساخت چندبعدی مقیاس مذکور را حمایت کرده است (Lauglin, Hubner, ۱۹۹۹).
چهل گویه مقیاس مذکور ترجمه و در بررسی حاضر به کار گرفته شد. محتوای گویه‌ها به گونه‌ای است که فارغ از تفاوت‌های فرهنگی و ناظر بر مفاهیمی است که به نظر می‌رسد جنبه عام دارد و داوران نیز با توافق بر محتوای گویه‌ها، اعتبار صوری^۲ آن را مورد تأیید قرار دادند.

همچنین مقایسه نتایج حاصل از مقیاس چندبعدی رضایت از زندگی در این بررسی با بعضی از تحقیقات در جامعه آماری مشابه (گروه سنی جوانان یا محصلین شهر مشهد)، هماهنگی بین یافته‌های این بررسی و پژوهش‌های دیگر که بعضی از ابعاد رضایت از زندگی را مد نظر قرار داده‌اند، نشان می‌دهد.

مقیاس سنجش دینداری نیز مبتنی بر مقیاس ساخته طالبان (۱۳۷۸) و الگوی چندوجهی دینداری گلاک و استارک است که علاوه بر آن چند گویه به بعد اعتقادی مقیاس مذکور اضافه شده است. اعتبار محتوایی مقیاس مذکور در تحقیقات پیشین مورد تأیید قرار گرفته است و یافته‌های این پژوهش نیز مشابهت زیادی با بررسی‌های دیگر در بین جوانان داشته که در جای خود ذکر خواهد شد. مقیاس به کار گرفته شده برای سنجش دینداری شامل ۳۲ گویه و چهار بعد است که جهت سنجش اعتبار همزمان نتایج مقیاس مذکور با نتایج سؤال مستقیم از خود افراد درباره تلقی آنان از میزان مذهبی بودن خود (در یک مقیاس پنج قسمتی از بسیار زیاد تا خیلی کم) مقایسه گردید. لازم به ذکر است که این سؤال در تحقیقات بین‌المللی ارزش‌های جهانی شاخص فردی دینداری به شمار رفته است و برخی از دانشمندان علوم اجتماعی آن را شاخص مهم دینداری افراد تلقی کرده‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۳، دواس، ۱۳۷۶ - به نقل از طالبان، ۱۳۸۰). نتایج نشان می‌دهد بین نمره دینداری مقیاس و تلقی افراد از مذهبی دانستن خود، همبستگی مثبت ($\gamma = 0.65$) و در حد نسبتاً بالا وجود دارد. به عبارتی افرادی که براساس مقیاس بررسی حاضر، نمره دینداری بیشتری کسب نموده‌اند، خود را مذهبی‌تر تلقی می‌نمایند. بر اساس این نتایج ۳۲ درصد کسانی که نمره آنان در مقیاس دینداری بالا بوده است،

1. construct validity.

2. face Validity

خودشان را در حد زیاد و ۵۸ درصد در حد متوسط مذهبی می دانند. همچنین ۶۷ درصد کسانی که نمره مقیاس دینداری آنها کم بوده است، خودشان را در حد کمی مذهبی دانسته اند و از آنجا که ابزار سنجش و معیار همزمان سنجیده شده اند می توان آن را دال بر اعتبار همزمان مقیاس دینداری تلقی نمود.

همچنین براساس یکی از طرق تأمین اعتبار (روش گروه های افراطی) که مقیاس، تفاوت معنی داری بین دو گروه که فرض می شود ارقام بسیار بالا و بسیار پایینی را درباره متغیر مورد اندازه گیری نشان خواهد داد، مقیاس دینداری تفاوت معنی داری بین نمره دینداری در بین دانش آموزان فردوس و در گر نشان داده است.

از بین روش های مختلف آزمون پایایی و سنجش استواری ابزار سنجش، از ضریب آلفای کراباخ استفاده شد و هبستگی درونی بین گویه های هر مقیاس محاسبه گردید.

بررسی ضرایب پایایی مقیاس های پنجگانه رضایت از زندگی نشان می دهد که با حذف پنج گویه نامناسب از کل گویه های مقیاس ها، ضریب پایایی مقیاس کل با چهل و پنج گویه ۰/۹۱ می باشد که در حد بسیار بالا و قابل قبولی است. همچنین در بین خرده مقیاس ها، ضریب پایایی مقیاس رضایت از دوستان با حذف دو گویه نامناسب ۰/۸۰، رضایت از خانواده با ده گویه ۰/۹، رضایت از محیط زندگی با حذف یک گویه نامناسب ۰/۷۴، رضایت از خود با حذف یک گویه نامناسب ۰/۸۲، و رضایت از مدرسه نیز با حذف یک گویه نامناسب ۰/۸۴ است.

همچنین بررسی ضریب پایایی مقیاس دینداری و خرده مقیاس های چهارگانه آن نیز نشان می دهد که ضریب پایایی مقیاس دینداری کل با ۳۲ گویه، ۰/۹۳ و در حد بسیار بالایی است. بعد اعتقادی با یازده گویه ۰/۸۸، بعد پیامدی با ده گویه ۰/۷۹، بعد تجربی با شش گویه ۰/۷۶ و بعد مناسکی با پنج سؤال ۰/۸۸ می باشد.

جامعه آماری و نمونه تحقیق

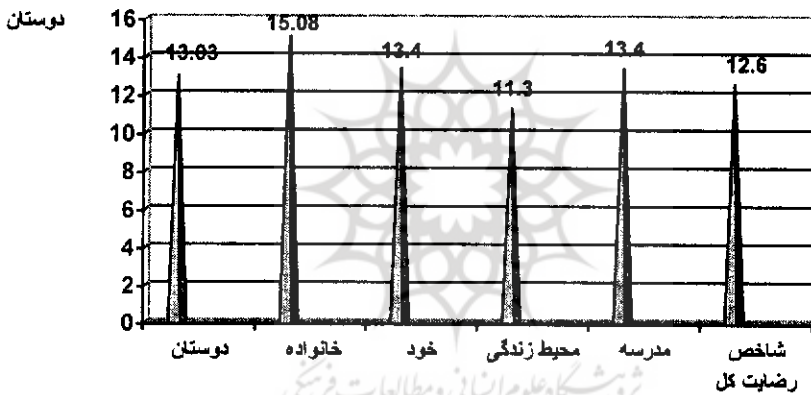
جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان دوره متوسطه (پایه های اول تا سوم و پیش دانشگاهی) در شهرهای در گر و فردوس و نواحی ۴، ۵ و ۷ مشهد می باشد.

حجم نمونه در پژوهش حاضر براساس برآورد مقدماتی، ۱۲۰۰ نفر تعیین شد. تخصیص حجم نمونه در خوشه های مختلف، متناسب با نسبت آن خوشه در جامعه آماری محاسبه شده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف متغیر (وابسته) رضایت از زندگی

مقیاس رضایت از زندگی از مجموع امتیازات چهل و چهار گویه در پنج بعد دوستان، خانواده، خود، محیط زندگی و مدرسه ساخته شد. ابتدا نمرات هر خرده‌مقیاس استاندارد و یکسان شد به صورتی که دامنه امتیازات ۲۰ تا ۰ و میانگین نظری ۱۰ می‌باشد. نتایج نشان داد میانگین همه مقیاس‌ها از میانگین نظری بالاتر است و بالاترین میانگین در مقیاس رضایت از خانواده (۱۵/۱) و پایین‌ترین میانگین در مقیاس رضایت از محیط زندگی (۱۱/۳) است. میانگین رضایت کل از زندگی در بین دانش آموزان ۱۲/۶ می‌باشد (نمودار ۱).



نمودار ۱- میانگین مقیاس رضایت از زندگی کل و خرده مقیاس‌ها

نمرات پاسخگویان در هر مقیاس براساس دامنه توزیع (۲۰ تا ۰) در سه گروه کم، متوسط و زیاد طبقه‌بندی گردید. نتایج هر مقیاس و مقیاس کلی در جدول ۱ قابل مشاهده است. بیشترین نسبت نارضایتی از محیط زندگی (۱۳/۴) و پس از آن مدرسه (۸/۷ درصد) است. همچنین بیشترین میزان رضایتمندی، از خانواده می‌باشد. نزدیک به سه چهارم (۷۲/۶ درصد) دانش آموزان نمونه تحقیق، از خانواده خود رضایت دارند و یک سوم از محیط زندگی شان راضی هستند. نسبت رضایتمندی از خود نشان می‌دهد ۵۵ درصد تصور مثبت از خود دارند و ۴۲ درصد میزان رضایتمندی متوسطی از خود دارند.

جدول ۱- نسبت ناراضی و رضایت از زندگی در بین دانش آموزان نمونه تحقیق

مقیاس‌ها	ناراضی	متوسط	راضی
رضایت از دوستان	۵/۳	۴۶/۶	۴۸/۱
رضایت از خانواده	۳/۸	۲۳/۵	۷۲/۶
رضایت از خود	۲/۵	۴۲/۲	۵۴/۷
رضایت از محیط زندگی	۱۳/۴	۵۲/۹	۳۳/۳
رضایت از مدرسه	۸/۷	۳۴/۶	۵۵/۹
رضایت کل	۳/۶	۵۳/۷	۴۲/۵

همچنین نتایج مقیاس کلی رضایت از زندگی نشان داد کمتر از نیمی (۴۲/۵ درصد) از پاسخگویان در مجموع از زندگی رضایت دارند و ۵۳/۷ درصد در حد متوسط راضی هستند.

مقایسه نتایج مربوط به رضایت از زندگی در بین نمونه پژوهش حاضر با نتایج تحقیق ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۰) در خصوص رضایت از زندگی با دو سؤال «در حال حاضر از امکانات رفاهی خانواده خود بیشتر راضی هستید یا ناراضی؟» و «به‌طور کلی از زندگی خانوادگی خود بیشتر راضی هستید یا ناراضی؟» نتایج تقریباً مشابهی را در بین محصلین در شهر مشهد نشان می‌دهد. نسبت رضایت از خانواده با یک سؤال کلی بیشتر از نسبت رضایت براساس مقیاس ده‌گویه‌ای در پژوهش حاضر است. لازم به ذکر است که نمونه تحقیق مذکور، شهروندان ۱۵ سال به بالا در مراکز بیست و هشت استان کشور بوده است و نتایج مربوط به محصلین در مشهد مبنای مقایسه قرار گرفته است.

جدول ۲- مقایسه نسبت نارضایتی و رضایت از زندگی در پژوهش حاضر

با نتایج پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها

جامعه آماری و نمونه	پژوهش	راضی	بینابین	ناراضی	
مشهد، شهروندان ۱۵ سال به بالا (مشهد) (نتایج محصلین)	ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان	۷۰/۱	۱۷/۹	۱۲	از امکانات رفاهی خانواده خود بیشتر راضی هستید یا ناراضی؟
مشهد، شهروندان ۱۵ سال به بالا (مشهد) (نتایج محصلین)	ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان	۸۲/۵	۱۲/۳	۵/۳	به طور کلی از زندگی خانوادگی بیشتر راضی هستید یا ناراضی؟
نتایج مربوط به مشهد	پژوهش دینداری و رضایت از زندگی	۷۱/۳	۲۴/۷	۴	مقیاس رضایت از خانواده

وجوه تشابه و تمایز رضایت از زندگی در بین دانش آموزان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

آزمون‌های آماری (جهت مقایسه رضایتمندی و مقیاس‌های چند گانه آن با توجه به نرمال نبودن توزیع متغیر وابسته در بین گروه‌های دو گانه از آزمون یومان ویتنی و در گروه‌های چند گانه از آزمون کراسکال وایس استفاده شده است که در متن از ذکر آمارهای آزمون صرف نظر شده و فقط به تفاوت‌های آماری تأیید شده اشاره شده است) مؤید آن است که رضایت از محیط زندگی در بین پسران بیش از دختران و رضایتمندی از مدرسه در بین دختران بیش از پسران است و سایر مقیاس‌های رضایت بر حسب جنس، توزیع متفاوتی ندارد.

مقایسه رضایتمندی و مقیاس‌های آن در بین سه شهر نمونه تحقیق حاکی از آن است که رضایت از محیط زندگی و مدرسه در بین دانش آموزان در گزبیش از مشهد و فردوس است و رضایت از دوستان در بین دانش آموزان مشهد بیش از در گز و فردوس است و در کل، دانش آموزان در گز رضایت بیشتری از زندگی دارند و فردوسی‌ها از زندگی ناراضی‌ترند.

مقایسه رضایتمندی در بین پایه‌های تحصیلی دال بر آن است که رضایتمندی از خانواده، خود، محیط زندگی، مدرسه، و رضایت کل در بین دانش آموزان پایه اول بیشینه و در بین دانش آموزان پیش‌دانشگاهی کمینه است به عبارتی دانش آموزان پایه اول متوسطه احساس خرسندی بیشتری از زندگی دارند. هر چه بر سال‌های

تحصیل افزوده می‌شود، از این احساس کاسته می‌شود به‌طوری که دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی کمترین رضایتمندی را در مقایسه با سایر پایه‌های تحصیلی دارند.

مقایسه رضایتمندی از زندگی بر حسب رشته تحصیلی دانش‌آموزان حاکی از آن است که دانش‌آموزان علوم انسانی کمترین و دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای بیشترین رضایتمندی را از زندگی دارند. رضایتمندی از مدرسه در بین دانش‌آموزان کار دانش کمینه و در بین دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای بیشینه است و رضایت از دوستان در بین دانش‌آموزان علوم تجربی بیشینه و در بین دانش‌آموزان علوم انسانی کمینه است.

رضایتمندی کلی از زندگی بر حسب نوع مدرسه، الگوی متفاوتی ندارد و فقط رضایت از دوستان و مدرسه بر حسب نوع مدرسه متفاوت است، به این ترتیب که دانش‌آموزان مدارس دولتی نسبت به غیرانتفاعی از مدرسه و دانش‌آموزان غیرانتفاعی نسبت به دولتی از دوستان خود رضایت بیشتری دارند.

توزیع رضایتمندی بر حسب تحصیلات والدین دانش‌آموزان نیز در مواردی متفاوت است. رضایتمندی از دوستان در بین دانش‌آموزانی که پدرانشان تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر دارند بیشینه و در بین آنان که پدرانشان بی‌سوادند کمینه است. همچنین رضایتمندی از خود و خانواده بر حسب تحصیلات پدران متفاوت است، بدین ترتیب که با افزایش سطح تحصیلات پدران، تصور مثبت از خود و رضایتمندی از خانواده افزایش می‌یابد. الگوی فوق در مورد تحصیلات مادران نیز تأیید شده است. رضایت از دوستان، خود و محیط زندگی با افزایش تحصیلات مادران افزایش می‌یابد. الگوی رضایت از مدرسه کمی متفاوت است و بیشترین میزان رضایتمندی از مدرسه در بین کسانی که مادرانشان تحصیلات سیکل دارند مشاهده می‌شود.

رضایت از زندگی (مقیاس کل)، مدرسه و خود بر حسب شغل پدران توزیع متفاوتی ندارد، اما رضایت از دوستان، خانواده و محیط زندگی بر حسب نوع شغل پدران متفاوت است، بدین ترتیب که رضایت از دوستان در بین آنان که پدرانشان کارمند عالی رتبه هستند بیشینه و در بین کارگران ساده کمینه است. رضایت از خانواده در بین کسانی که پدرانشان کارگران دولتی بیشترین و در بین پزشکان و اساتید کمترین است. همچنین رضایتمندی از محیط زندگی در بین کسانی که پدرانشان کارگر ساده هستند کمینه و در بین استادکاران فنی و حرفه‌ای بیشینه است. الگوی متفاوتی از رضایتمندی از زندگی در بین دانش‌آموزانی که مادران شاغل با خانه‌دار دارند وجود ندارد. شاخص بر خورداری از امکانات اقتصادی خانواده با رضایت از زندگی همبستگی مثبت ضعیفی دارد، به این صورت که دانش‌آموزانی که امکانات اقتصادی بیشتری دارند، رضایت بیشتری از

دوستان، خانواده، خود و محیط زندگی داشته و رضایت کلی‌شان از زندگی (مقیاس کلی) نیز بیشتر است. این رابطه با رضایت از مدرسه منفی و ضعیف است، به عبارتی دانش‌آموزانی که برخورداری بیشتری از امکانات اقتصادی دارند، از مدرسه خود ناراضی‌ترند. همچنین تلقی و ارزیابی ذهنی پاسخگویان از وضعیت اقتصادی خود با رضایتمندی، همبستگی مثبت ضعیفی دارد (حداقل $r = 0/17$ ، $r = 0/17$ مقیاس رضایت از دوستان و حداکثر $r = 0/26$ مقیاس رضایت از خود).

توصیف متغیر (مستقل) دینداری

نتایج بعد اعتقادی دینداری در بین دانش‌آموزان

نتایج مقیاس دینداری دانش‌آموزان نمونه تحقیق نشان می‌دهد در بعد اعتقادی و حداقل دینداری که اقرار به شهادتین (وجود خداوند و نبوت حضرت محمد (ص)) و رکن اساسی دینداری است (طالبان، ۱۳۸۰) تقریباً نزدیک به تمامی دانش‌آموزان نمونه تحقیق دیندار محسوب می‌شوند. ۹۸/۶ درصد به وجود خداوند و ۹۷/۹ درصد به پیامبری حضرت محمد باور دارند. همچنین ۹۳/۵ درصد آنان به معاد و زندگی پس از مرگ باور دارند و ۹۵ درصد معتقد به پاداش و کیفر الهی در آخرت هستند. ۸۸ درصد رستگاری اخروی را مهم‌تر از سعادت دنیوی می‌دانند و ۸۶/۶ درصد پیروی از دستورات دینی را کلید سعادت واقعی می‌دانند. دو سوم (۷۴/۶ درصد) پاسخگویان اعتقادات و باورهای دینی را سبب آسانی تحمل شرایط سخت زندگی می‌دانند.

مقایسه نتایج این بررسی با برخی تحقیقات دیگر که سؤالات مشابه داشته‌اند در جدول ذیل مشاهده می‌شود. مقایسه نتایج باورهای اساسی دینی (اعتقاد به خداوند، زندگی پس از مرگ و نبوت حضرت محمد) با چند تحقیق در تهران و دو تحقیق دیگر مربوط به مشهد، مؤید آن است که عموم جوانان باورهای اساسی دینی را پذیرفته‌اند و نسبت دانش‌آموزانی که به ارکان اصلی دین باور دارند در بین دانش‌آموزان نمونه تحقیق حاضر بیش از نمونه‌های دیگر می‌باشد.

جدول ۳- مقایسه اعتقادات اساسی دینی پاسخگویان در تحقیق حاضر و تحقیقات مشابه دیگر

پژوهشگر	زمان جمع آوری اطلاعات	جامعه آماری	نمونه	درصد کسانی که اعتقاد به خداوند دارند	درصد کسانی که به قیامت یا زندگی پس از مرگ اعتقاد دارند	درصد کسانی که به نبوت حضرت محمد اعتقاد دارند
سراج زاده	۱۳۷۴	دانش آموزان سال سوم دبیرستان های تهران	۳۹۱	۸۷	۸۶	۹۳ ^(۱)
کیویان	۱۳۷۶	شهروندان پانزده تا بالای ۶۵ سال کل مناطق تهران	۹۱۵	۹۷/۹	۹۳/۷	۹۷/۵
سادبی	۱۳۷۶	دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران	۱۲۶۰	۹۵/۸	۹۳/۱	-
طالبان	۱۳۷۷	دانش آموزان متوسطه منطقه ۵ تهران	۷۳۲	۹۳	۸۵	-
طالبان	۱۳۷۸	دانش آموزان سال سوم دبیرستان منطقه ۵ تهران	۳۸۴	۹۶/۱	۸۹	۹۵/۳
رضایی	۱۳۸۰	۲۸ استان کشور، شهروندان ۱۵ سال به بالا	۵۲۷	-	۹۵/۳	-
عظیمی	۱۳۸۰	جوانان ۱۹ تا ۲۹ سال مشهد	۵۱۹	-	۹۳/۴	۹۲/۲
تحقیق حاضر	۱۳۸۱	دانش آموزان دوره متوسطه ناحیه ۴، ۵، ۷ مشهد، فردوس و درگز	۱۲۱۹	۹۸/۶	۹۴/۷	۹۷/۹
		نتایج مربوط به نمونه مشهد	۷۲۴	۹۹	۹۳/۶	۹۷/۷

نتایج بعد یامدی دینداری در بین دانش‌آموزان

ارتباط باورها و اعتقادات دینی در مواجهه با مشکلات زندگی که زمینه‌ساز احساس خرسندی یا ناخرسندی از زندگی است از نظر دوسوم پاسخگویان نمونه تحقیق (مشهد) ارتباط وثیقی است. ۷۴/۶ درصد پاسخگویان اعتقادات دینی را سبب آسانی تحمل شرایط سخت زندگی می‌دانند، ۸/۳ درصد مخالف هستند و ۱۷/۱ درصد در این باره تردید دارند. مقایسه نتایج حاضر با دو تحقیق دیگر در مشهد نشان می‌دهد ۸۴/۳ درصد محصلین نمونه تحقیق در سال ۱۳۸۰ موافق این نظر بوده‌اند که دین و ایمان یکی از بهترین راه‌های غلبه بر مشکلات زندگی است و ۹۲/۶ درصد جوانان نمونه تحقیق در سال ۱۳۸۰ بر این باور بوده‌اند که اعتقاد مذهبی به آنان کمک کرده است که از زندگی راضی باشند.

جدول ۴- مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر

اعتقادات دینی سبب آسانی تحمل شرایط سخت زندگی است			پژوهش
مخالف	بینابین	موافق	تحقیق حاضر (نمونه مشهد)
۸/۳	۱۷/۱	۷۴/۶	
دین و ایمان یکی از بهترین راه‌های غلبه بر مشکلات زندگی است			ارزشها و نگرشها
مخالف	بینابین	موافق	
۷/۱	۸/۵	۸۴/۳	
اعتقاد مذهبی به من کمک کرده است از زندگی راضی باشم			نگرش جوانان به دین
مخالف	بینابین	موافق	
۷/۴	-	۹۲/۶	

در بین عقاید و باورهای پاسخگویان، ارتباط بین اعتقادات مذهبی و خوشبختی مورد توافق کامل نیست و نظرات افراد به این صورت است که نیمی (۵۱/۳ درصد) بر این باورند که بدون اعتقاد مذهبی، با تلاش و پشتکار صرف خوشبختی حاصل نمی‌شود و ۲۵ درصد یا یک‌چهارم پاسخگویان مخالف این نظرند، به عبارتی بر این باورند که با تلاش و پشتکار، بدون اعتقاد مذهبی هم خوشبختی حاصل می‌شود. ۲۲/۶ درصد نیز نظر

بینین دارند. مقایسه مواضع پاسخگویان به گویه مذکور با این گویه که پیروی از دستورهای دینی کلید سعادت واقعی است نشان می‌دهد ۸۶/۶ درصد پیروی از دستورهای دینی را کلید سعادت واقعی می‌دانند، بنابراین بین خوشبختی دنیوی و سعادت واقعی به نوعی تفکیک قائلند. همچنین در پژوهش دیگر مربوط به جوانان مشهد (۱۳۸۰) ۸۹/۵ در صد اظهار داشته‌اند که معتقدند هرچند از نظر مادی مرفه باشند، بدون اعتقاد مذهبی آدم سعادت‌مندی نیستند و ۱۰/۱ درصد با این مضمون مخالف بوده‌اند.

در بعد پیامدی یا اهمیت دین در زندگی، میانگین مقیاس حاصله ۱۵/۹ بالاتر از میانگین نظری است و ۸۳/۱ درصد بر این اساس دینداری زیاد، ۱۶/۱ درصد متوسط و فقط ۰/۷ درصد (۹ نفر) کم دیندار هستند.

نتایج بعد تجربی دینداری در بین دانش آموزان

در بعد تجارب دینی یا احساسات مذهبی نسبت فقدان تجارب دینی بسیار کم و ناچیز و حداکثر ۵ درصد بوده است و تجارب دینی و ارتباط شخصی با خداوند به میزان زیادی از سوی پاسخگویان ابراز شده است. ۹۷/۷ درصد احساس ترس از خداوند، ۸۸/۳ درصد دور شدن احساس ناراحتی با یاد خدا، ۹۵/۴ درصد درخواست کمک از خداوند، ۹۰/۴ درصد احساس آرامش و معنویت در هنگام مناجات با خداوند، ۷۷/۸ درصد احساس نزدیکی به خداوند و ۸۷/۱ درصد احساس عذاب وجدان از ارتکاب گناه را تجربه کرده‌اند. میانگین مقیاس تجربه دینی (۱۷/۱) بسیار بالاتر از میانگین نظری (۱۰) است و نشان از دینداری بالای پاسخگویان از حیث تجربه دینی و یا دینداری نامرئی است.

نتایج بعد مناسکی دینداری در بین دانش آموزان

در بعد مناسک دینی و عمل به دو طاعت نماز و روزه و مراتب پایبندی به نمازهای پنج‌گانه، نتایج نشان داد که نسبت کسانی که اصلاً نماز نمی‌خوانند، در نمازهای مغرب و عشا ۸/۴ درصد، ظهر و عصر ۸/۷ درصد و صبح ۱۲/۱ درصد است. اگر کسانی را که اصلاً نماز نمی‌خوانند با کسانی که به اجبار نماز می‌خوانند و اگر کسی متوجه نشود نماز نمی‌خوانند و آنان که به ندرت نماز می‌خوانند در یک طبقه ادغام نماییم، نسبت‌ها به ۱۷ درصد مغرب و عشا، ۱۷/۵ درصد ظهر و عصر و ۲۵/۲ درصد صبح می‌رسد. همچنین ۶۴/۶ درصد (همیشه یا اکثر مواقع) به اقامه نماز صبح، ۶۱/۸ درصد نمازهای ظهر و عصر و ۶۳/۷ درصد مغرب و عشا پایبند هستند. اگر نسبت کسانی را که بعضی روزها نماز می‌خوانند (نیمی از روزها را می‌خوانند و نیمی را نمی‌خوانند) به کسانی

که همیشه یا اکثر مواقع نماز می‌خوانند اضافه نماییم، این نسبت‌ها به ۷۲/۶ درصد نماز صبح، ۶۹/۵ درصد ظهر و عصر و ۶۹/۹ درصد مغرب و عشا افزایش می‌یابد.

بنابراین نسبت کسانی که اصلاً نماز نمی‌خوانند و بر اساس این معرف دیندار محسوب نمی‌شوند، فقط ۱۰ درصد نمونه تحقیق را تشکیل می‌دهند. اگر کسانی را که به ندرت نماز می‌خوانند یا با اجبار نمازهای خود را به جای می‌آورند نیز به این گروه اضافه نماییم، نسبت دو برابر می‌شود و در مورد نماز صبح به یک چهارم (۲۵/۲ درصد) نمونه تحقیق و در مورد نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا به ۱۷ درصد می‌رسد.

در متون دینی پس از نماز، روزه به عنوان مهم‌ترین تکلیف دینی محسوب می‌شود. نتایج نشان داد فقط ۲/۱ ابراز داشته‌اند اصلاً در ماه رمضان روزه نمی‌گیرند. اگر نسبت کسانی را که به ندرت روزه می‌گیرند به آن اضافه نماییم، این رقم به ۴/۹ درصد می‌رسد و در برابر آن ۹۳/۵ درصد اظهار داشته‌اند که به نحوی (همیشه، بیشتر روزها یا بعضی روزها) روزه می‌گیرند. همچنین ۸۰ درصد تقید و پایبندی خود را به روزه ماه رمضان زیاد می‌دانند و فقط ۵/۷ درصد اصلاً و به میزان کمی مقید هستند.

مقایسه یافته‌های این پژوهش با تحقیقات پیشین نشان می‌دهد بر اساس تحقیق «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» نتایج مربوط به مشهد و در بین محصلین نمونه تحقیق ۷۴/۹ درصد اظهار داشته‌اند که اکثر اوقات، ۱۶/۶ درصد گاهی اوقات و ۷/۵ درصد به ندرت واجبات دینی (نماز و روزه با هم) را انجام می‌دهند. همچنین تحقیق دیگر از نگارنده (۱۳۸۰) نشان داد ۹۴/۲ درصد جوانان ۱۹-۲۹ سال مشهدی همیشه یا بیشتر روزهای ماه رمضان روزه می‌گیرند و ۵/۴ درصد اصلاً روزه نمی‌گیرند یا به ندرت روزه می‌گیرند.

نتایج مقیاس دینداری

توزیع مقیاس‌های دینداری و مقیاس کلی آن نشان می‌دهد اکثریت قریب به اتفاق (۹۰ درصد) دانش‌آموزان نمونه تحقیق بر اساس مقیاس حاضر دیندار هستند. این نسبت در بعد باورها و اعتقادات پیشینه (۹۴/۷ درصد) و در بعد مناسک دینی نسبت به سایر ابعاد کمیته است (۷۹ درصد).

جدول ۵- نسبت مقیاس‌های دینداری و آماره‌های مربوطه در کل و نمونه مشهد

مقیاس کل دینداری	پیامدی	مناسکی	تجربی	اعتقادی	ابعاد	
۰/۶	۰/۷	۴/۹	۱/۱	۰/۷	کل نمونه	کم
۰/۷	۰/۷	۵/۱	۱/۲	۰/۷	مشهد	
۸/۸	۱۶/۱	۱۴/۸	۷/۹	۴/۶	کل نمونه	متوسط
۱۱	۱۸/۸	۱۵/۳	۹/۱	۵/۷	مشهد	
۹۰/۶	۸۳/۱	۷۹	۹۰/۵	۹۴/۷	کل نمونه	زیاد
۸۸/۳	۸۰/۵	۷۹/۶	۸۹/۶	۹۳/۶	مشهد	
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	میانگین نظری	
۱۶/۶۸	۱۵/۹۴	۱۵/۷۲	۱۷/۱	۱۷/۹۹	کل نمونه	میانگین
۱۶/۵۵	۱۵/۸۵	۱۵/۵۱	۱۶/۹۶	۱۷/۸۸	مشهد	
۲/۴۶	۲/۹۶	۴/۳۲	۲/۹۶	۲/۵	کل نمونه	انحراف معیار
۲/۶۵	۳/۰۵	۴/۴۷	۳/۱۲	۲/۶۲	مشهد	

وجوه تشابه و تمایز دینداری در بین دانش‌آموزان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

مقایسه نمرات دینداری (شاخص کلی) و مقیاس‌های آن بر حسب ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای پاسخگویان مؤید الگوهای متفاوتی در دینداری بر حسب بعضی از این متغیرهاست. مواردی که در آزمون‌های آماری با احتمال خطاهای قابل قبول (کمتر از ۰/۰۵) و اطمینان ۹۵ درصد به بالا تایید شده در ذیل ذکر می‌شود.

بر اساس نتایج حاصله دختران در مقایسه با پسران در بعد مناسکی دیندارترند. در بعد مناسکی و شاخص دینداری کل، فردوسی‌ها در مقایسه با دانش‌آموزان نواحی چهار، پنج و هفت مشهد و مشهدی‌ها در مقایسه با درگزیها دیندارترند. پایه دومی‌ها در مقایسه با سایر پایه‌ها دینداری قوی‌تری دارند و کمترین میزان در بین دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی مشاهده می‌شود.

همچنین در بین دانش آموزان مدارس دولتی در مقایسه با غیرانتفاعی دینداری کل و شاخص های چندگانه آن قوی تر است.

در بعد مناسکی بیشترین میزان دینداری در بین دانش آموزانی که پدرانشان تحصیلات در حد سیکل دارند و در بعد پیامدی و دینداری کل، در بین آنان که تحصیلات ابتدایی دارند مشاهده می شود و کمترین آن در بین کسانی است که پدرانشان تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر دارند.

در ابعاد پیامدی، تجربی، اعتقادی، و دینداری کل، کمترین میانگین رتبه ای دینداری مربوط به دانش آموزانی است که تحصیلات مادرانشان در حد لیسانس است و بیشترین میزان در بین آنانی است که مادرانشان تحصیلات ابتدایی دارند.

دینداری و شاخص های چهارگانه آن در بین دانش آموزانی که مادران خانه دار دارند بیش از کسانی است که مادرانشان شاغلند.

مقایسه دینداری بر حسب شغل پدران دانش آموزان نمونه نشان می دهد که بعد مناسکی بر این اساس الگوهای متفاوتی دارد، بدین ترتیب که بیشترین میانگین رتبه ای بعد مناسکی دینداری، در بین دانش آموزانی که پدران کارگر دارند و کمترین آن در بین گروه شغلی کلی فروش، زمین دار و نگاهدار مشاهده می شود.

نتایج نشان داد بر خورداری از امکانات اقتصادی با دینداری همبستگی منفی اما در حد ضعیف ($r = -0/16$) دارد و این الگو با اطمینان کامل ($Sig = 0/00$) در جامعه آماری هم مشاهده خواهد شد.

تلقی پاسخگویان از میزان مذهبی بودن خود و رابطه آن با مقیاس دینداری

۳۰ درصد دانش آموزان نمونه تحقیق خود را خیلی زیاد یا زیاد مذهبی می دانند، ۵۵/۴ درصد در حد متوسط، ۱۱/۸ درصد کم و خیلی کم و فقط ۲ درصد خود را اصلاً مذهبی نمی دانند.

بررسی روابط همبستگی و توزیع توأم دو متغیر تلقی از میزان مذهبی بودن خود و نمره دینداری (شاخص دینداری) حاکی از ارتباط مثبت بین دو متغیر است. این رابطه در بعد مناسکی دینداری نیز جاری است و کسانی که خود را مذهبی تر می دانند در بعد مناسک دینی نمره بیشتری کسب کرده اند، اما شدت وابستگی در بین تلقی از دینداری و بعد مناسکی ضعیف تر از ($\text{Gamma} = 0/36 \text{ sig} = 0/000$) مقیاس کلی دینداری است. ($\text{Gamma} = 0/63 \text{ sig} = 0/000$) است.

تلقی افراد از میزان مذهبی بودن خود با رضایت از زندگی همبستگی مثبت اما در حد متوسط و ضعیف ($\text{sig}=0/000$ $r=0/24$ رواسپیرمن) دارد، بنابراین دانش آموزانی که خود را مذهبی تر می دانند احساس خرسندی بیشتری از زندگی دارند.

رابطه دینداری و رضایت از زندگی

توزیع توأم دو شاخص دینداری (کل) و رضایتمندی از زندگی (کل) حاکی از ارتباط مثبت بین این دو متغیر است به عبارتی با افزایش دینداری تلقی مثبت از زندگی و احساس خرسندی به طور متوسط افزایش می یابد ($\text{sig}=0/000$ $\text{Gamma}=0/09$ $\text{sig}=0/000$ $\text{somers d}=0/32$).

جدول ۶- توزیع فراوانی توأم دینداری و رضایت از زندگی

دینداری / رضایت از زندگی	کم	متوسط	زیاد	تعداد پاسخ معتبر
کم	۳۳/۳	۱۰/۳	۲/۸	۴۴
متوسط	۵۰	۷۲/۹	۵۲	۶۶۵
زیاد	۱۶/۷	۱۶/۸	۴۵/۲	۵۱۸
تعداد پاسخ معتبر	۶	۱۰۷	۱۱۰۴	۱۲۱۷

بررسی روابط همبستگی بین دینداری و اجزای رضایتمندی از زندگی مؤید آن است که دینداری با رضایتمندی از خانواده ($r=0/35$) و مدرسه ($r=0/33$) به نسبت سایر اجزا وابستگی بیشتری دارد. این روابط با رضایت از خود به میزان $0/22$ ، محیط زندگی $0/19$ و دوستان $0/07$ می باشد، بنابراین دینداران رضایت بیشتری از خانواده و مدرسه دارند.

نتایج تحلیل رگرسیون به روش قدم به عقب^۱ نشان داد، درین اجزای دینداری سه بعد پیامدی، اعتقادی و تجربی همزمان به میزان $0/36$ با رضایتمندی از زندگی همبسته اند و سه وجه مذکور $0/13$ (R^2) از تغییرات

رضایتمندی را تبیین می‌نماید و مابقی تغییرات رضایت از زندگی و احساس خرسندی تابع متغیرهای دیگری می‌باشد.

تحلیل رگرسیون همچنین نشان می‌دهد که بعد مناسکی در کنار سایر ابعاد دینداری تأثیر قابل توجهی بر احساس خرسندی از زندگی ندارد و بعد پیامدی که ناظر بر اهمیت دین در زندگی فرد و نوع نگاه فرد به ارتباط دین با احساس سعادت، موفقیت آرامش، رضایت، و اهمیت معیارهای دینی در زندگی است، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رضایتمندی است ($\text{Beta} = 0/21$) و بعد اعتقادی ($\text{Beta} = 0/13$) و تجربی ($0/10$) به ترتیب در مراتب بعدی قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی رضایت از زندگی و مؤلفه‌های آن و دینداری و وجوه آن و رابطه بین این دو متغیر در بین دانش‌آموزان نمونه تحقیق انجام شد. یافته‌ها نشان داد کمتر از نیمی از دانش‌آموزان نمونه تحقیق ($42/5$ درصد) از زندگی رضایت زیاد دارند و بیش از نیمی از آنان در حد متوسط از زندگی راضی هستند. مقایسه ابعاد رضایتمندی از زندگی در بین دانش‌آموزان براساس مقیاس چند بعدی رضایت از زندگی (دوستان، مدرسه، خود، خانواده و محیط زندگی) حاکی از آن است که بیشترین نسبت نارضایتی دانش‌آموزان از محیط زندگی است (میانگین مشاهده شده $11/1$ ، میانگین نظری 10). دقت در مؤلفه‌های رضایت از محیط زندگی (همسایگان، روابط همسایگی، محله، همشهری‌ها، خانه محل سکونت و...) و پایین بودن رضایتمندی از محیط زندگی در بین دانش‌آموزان به تعبیری حاکی از ضعیف بودن مؤلفه‌های احساس تعلق یا «ما» در حد هم‌محله‌ای، همشهری و ... است و در مقابل بالا بودن نسبت رضایتمندی بالا از خانواده و اینکه دوسوم نمونه تحقیق از خانواده خود رضایت بالا دارند (و فقط چهار درصد ناراضی هستند) نشان از رضایت بالا از «ما»ی خانوادگی است. رضایت از شبکه دوستی و مدرسه در مجموع به یکدیگر نزدیک است (میانگین 13) و در حد وسط رضایت از محیط زندگی و خانواده قرار دارد.

نتایج مذکور در ارتباط با مبحث وفاق اجتماعی در خور توجه است. اگر پیوستگی‌های عاطفی را بنیان پیش‌شرط عقلایی وفاق اجتماعی بدانیم (چلبی، 1372) به لحاظ تحلیلی با اینکه پیوستگی‌های عاطفی پیش‌شرط وفاق تلقی می‌شود، عناصر بسیط تشکیل‌دهنده آن تعامل و احساس است. افزایش میدان‌های تعاملی

موجبات افزایش عواطف جمعی و در نتیجه افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی است. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر ضعیف بودن رضامندی از محیط زندگی که ناظر بر احساس ناخرسندی از روابط همسایگی، محله‌ای و احساس تعلق به شهر است و در برابر آن رضایت بالا از خانواده، غلبه تعاملات و تعلقات خاص گریانه افراد نمونه تحقیق را می‌نمایاند. همچنین اگر تعاملات اجتماعی را بستر توسعه عواطف و تعهد تلقی نماییم، نارضایتی از محیط زندگی، افزایش تعاملات و در نتیجه توسعه عواطف جمعی را مسدود نموده و به ضعف عواطف، تعهد و اعتماد اجتماعی عام منتهی خواهد شد.

در بررسی روابط متغیرهای زمینه‌ای با رضایتمندی این نکته که افزایش پایه تحصیلی رابطه منفی با رضایت‌مندی از زندگی دارد، نشان از آن دارد که عملکرد نظام آموزشی و انتظاراتی که در فرایند آموزش رسمی به دانش‌آموزان منتقل می‌شود، به گونه‌ای است که احساس خرسندی از زندگی در بین دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد و دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر به ویژه پیش‌دانشگاهی از زندگی رضایت کمتری دارند.

وضعیت دینداری دانش‌آموزان متوسطه نمونه حاضر نیز بر اساس مقیاس تحقیق حاضر در ابعاد اعتقادی و تجربی بسیار بالاست و اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموزان نمونه تحقیق، ارکان اساسی دین را قبول داشته و از حیث تجربه دینی نیز در حد بالایی دیندار هستند. همچنین در بعد مناسکی و پیامدی دینداری نیز هر چند نسبت به دو بعد دیگر میانگین امتیازات دینداری کمتر است، اما بالاتر از میانگین نظری است.

بررسی توزیع توأم دو متغیر دینداری و رضایت از زندگی نشان داد هم‌تغییری مثبت بین این دو متغیر به وضوح قابل مشاهده است و دینداران از زندگی رضایت بیشتری دارند. هر چند که شدت رابطه قوی نیست، اما هم‌تغییری در حد متوسط ضعیف وجود دارد. روابط همبستگی بین اجزا و مؤلفه‌های دو متغیر حاکی از آن است که بعد پیامدی که ناظر بر اهمیت دین در زندگی شخص و نگاه دینی به رضایت، موفقیت، خرسندی، سعادت‌مندی است بیشترین وابستگی ($r = 0.433$) را با رضایت از زندگی (به ویژه با رضایت از خانواده و مدرسه) دارد.

یافته‌های رگرسیون چند متغیری دال بر آن است که دینداری و به معنای دقیق‌تر سه بعد اعتقادی، تجربی و پیامدی آن، ۱۳ درصد از تغییرات رضایت از زندگی در بین دانش‌آموزان را توضیح می‌دهد و ۸۷ درصد تغییرات رضایت از زندگی در بین دانش‌آموزان تابع عوامل دیگری است که در این بررسی به آن پرداخته

نشده است و پژوهش‌های دیگر می‌توانند دیگر عوامل مؤثر بر رضایتمندی نوجوانان از زندگی را کنکاش نمایند.

همچنین از بین ابعاد چهارگانه دینداری، بعد مناسکی در کنار ابعاد سه‌گانه دیگر (اعتقادی، تجربی، پیامدی) تأثیر واقعی (خالصی) در توضیح رضایتمندی ندارد و بعد پیامدی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رضایتمندی از زندگی در بین دانش‌آموزان نمونه تحقیق است. بعد پیامدی ناظر بر نوع نگاه فرد به ارتباط دین با احساس سعادت، موفقیت، آرامش، رضایت و اهمیت معیارهای دینی در زندگی روزمره (انتخاب دوست، شغل، کسب درآمد و ...) است، بنابراین می‌توان گفت هر چه دانش‌آموزان به معیارهای دینی در تعاملات اجتماعی و اقتصادی خود توجه بیشتری داشته و بر تأثیر دین در احساس آرامش بیشتر باور داشته باشند، از زندگی رضایت بیشتری دارند. در مرتبه بعد باورها و اعتقادات اساسی دینی (اعتقاد به وحدانیت خداوند، نبوت و زندگی پس از مرگ) و در جایگاه سوم داشتن تجارب دینی (احساس نزدیکی به خداوند، احساس عذاب وجدان از ارتکاب گناه، احساس آرامش و معنویت و ...) قرار دارد. حذف بعد مناسکی دینداری از معادله رگرسیونی در تبیین رضایتمندی از زندگی، دال بر آن است که مناسک به تنهایی در احساس مسرت و خشنودی از زندگی تأثیر نمی‌گذارد و پیامدهای باورهای دینی نوجوانان در زندگی روزمره و رفتارهای گوناگون (بعد پیامدی) و اعتقادات و تجارب دینی و معنوی آنان تأثیر بیشتری در میزان خشنودی آنان از زندگی دارد.

یادداشتها

۴. بدیهی است که انتظار می‌رود نسبت اعتقاد به نبوت پیامبر در بین افراد واحد نباید از نسبت اعتقاد به خداوند پایین‌تر باشد و انتظار می‌رود کسانی که به نبوت پیامبر اسلام اعتقاد دارند، به وجود خداوند نیز معتقد باشند، همان‌طور که نتایج پژوهش‌های دیگر ذکر شده نیز موید این مطلب است اختلاف مشاهده شده در پژوهش مورد اشاره با استناد به نتایج گزارش شده توسط طالبان (۱۳۸۰) می‌باشد و اگر خطایی در درج اعداد صورت نگرفته باشد باید به نتایج آن با احتیاط نگریست.

فهرست منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳): *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- بهروان، حسین: *فرهنگ عمومی مردم مشهد*، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان.
- چلی، مسعود، ۱۳۷۲، *نظم اجتماعی*، نشر نی.
- حسینی، حسین (۱۳۷۴): «دین در بستر دیدگاه‌ها»، *مجله معرفت*، شماره ۲۰.
- دواس (۱۳۷۶): *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، نشر نی.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۰): *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌ها و پژوهش‌های ملی.
- رمضانی، ولی الله (۱۳۷۵): «بررسی رابطه جهت گیری درونی و بیرونی با سلامت روان در بین مردان و زنان ۲۵ تا ۵۵ ساله زرتشتی مسیحی و مسلمان در شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.
- سراجزاده حسین (۱۳۷۴): *نگرشها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن بر نظریه سکولارشدن*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- سراجزاده، حسین، توکلی، مهناز (۱۳۸۰): «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»، *نامه پژوهش*، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان.
- سلیمانی دریجه، براتعلی (۱۳۷۳): «بررسی رضایت از زندگی بعد از مهاجرت در میان گروهی از مهاجرین ساکن خمینی شهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰): «تهدید مذهبی و تعلق سیاسی»، *نامه پژوهش*، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰): *دینداری و بزهکاری جوانان در میان جوانان دانش‌آموز*، مؤسسه پژوهشی فرهنگ هنر و ارتباطات، تهران.
- طالبی، ابوتراب (۱۳۸۰): «عملکرد دینی دانشجویان و نمادهای دینی در میان دانشجویان دختر»، *نامه پژوهش*، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان.
- عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۱): *نگرش جوانان ۱۹-۲۹ سال مشهد به دین*، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی مشهد.
- محمودی، مهری (۱۳۸۰): «رابطه قشریندی اجتماعی و گرایش‌ها و رفتارهای دینی در تهران»، *نامه پژوهش*، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان.

مرجایی، سید هادی (۱۳۸۰): «پرسی اعتقادات دینی و جهت گیری سکولاریستی و بنیادگرایی در بین جوانان دانشگاهی»، نامه پژوهش، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱، تابستان.

میلر، دالبرت (۱۳۸۰): «راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی»، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.

نائبی هوشنگ (۱۳۷۳): «سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

نظرسنجی از مردم تهران درباره کیفیت زندگی، رضایت از محل زندگی و ...، مرکز تحقیقات و مطالعات برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی.

وضعیت و نگرش جوانان ایران (۱۳۸۰): گزارش نهایی نتایج پژوه مشاوره ملی جوانان، تهران.

- Annas, J: 1993, *The morality of Happiness* (Oxford university press, new York)
- cameron mcintosh (2001): "Report on the construct validity of the temporal satisfaction with life scale", *social indicators research*, vol 54, 37- 56.
- Chong, E.C.A. Maydeu-olivares and T.D. Zurilla, 1997, 'optimism and pessimism as partially independent constructs: Relation positive and negative affectivity and psychological well being', *personality and individual differences* 23. pp 433-440.
- Deneve and copper 1998: The happy personality: A meta analysis of 137 personality traits and subjective well-being *psychological Bulletin* 124, pp. 197-229.
- Diener, E,R.A. Emmons, R.J. Larsen and S. Griffin: 1985, The satisfaction with life scale', *Journal of Personality Assesment* 49, pp. 71-75.
- Diener, E.E. M. such, R.E.L Lucas and H.L.Smith. 1999 'Subjective well being: Three decades of progress', *Psychological Bulletin* 125, pp. 276-302.
- Diener. E. 1994, "Assessing subjective well being: Progress and opportunities", *Social Indicators research* 31, pp 103-157.
- Dowson S. and. G. Bamossy: 1991, If we are what we have what are we when we don't have? And exploratory study of materialism among expatriate Americans, *Journal of Social behavior and personality* 6: (Special Issue) in floyd w. Rudmin(ed), to have possessions, a handbook on ownership and property, pp. 363-384.
- Dziurawiec, suzanne and Ryan, lisa (2001): "Materialism and Its Relationship to life satisfaction", *social indicators research*, vol 55, 185-197.
- Ellison, C.G.D.A. Gay and T.A. Glass: 1989 'Does religious commitment contribute to individual life satisfaction? *Social forces* 68(1). pp. 100-123.
- gilman and hubner and laughlin (2000): "a first study of the multidimensional student's life satisfaction scale with adolescents", *social indicators research*, vol 52, 135-160.
- Kamman R, M. Farry and P Herbison: 1984, "The analysis and measurement of happiness as a sense of well-being, *social Indicators Research* 15. pp. 91-116.

- Lackland sam (2001): "satisfaction with life Among international students: an Exploratory study", *social Insicators research*, vol 53 , 315-337.
- Land, Lamb and mustillo (2001): "child and youth well-being in the united states 1975 - 1998 : some findings from a new index", *social indicators Research*, vol 56-241-320.
- laughlin and scott huebner and ash(2001): "Life experinces , locus of control and school satisfaction in adolescence", *social Indicators research*, vol 55 , 167-183.
- Lucas, R.E, E, Diner and E. Such E: 1996, Discriminanat validity of well-being measure, *Journal of personality and social psychology* 71, pp. 616-628.
- Maknien and Timothy pychyl (2001): "the differential effects of project stress on life satisfation", *social indicators research*, vol 53,1-16
- mendenhall william (1979): elementary survey sampling, pws publishers
- Pavot, W, E. Diener and E. such: 1989, 'The Temporal satisfaction with life scale' *Journal of Personality Assesment* 70 . pp. 340-354.
- Peacock, James and margaret M. Poloma (1999): "Religiosity and life satisfaction Across the life course", *social indicators research*, vol 48 , 321-345.
- Pollner, M, 1989, "Divine relations, Social relations and well being's, *Journal of Health and social behavior* 30(1) pp. 92-104.
- Poloma M.M and B.F. Pendleton: 1989: "Exploring types of prayer and prayer experience on measures of general well-being", *Journal of psychology and Theology* 19(1) pp. 71-84.
- Renolds, C.R and R.W. Kamphaus: 1992 'manual for the Behavioral Assessment system for children, (American Guidance Service, Inc, circle pines, MN)
- Rochberg- Halton and csikszentmihalyi M: 1981, The meaning of Things: Domestic symbols and the self (cambridge university press, cambridge)
- Sirgy, J. M, D. Jin-lee, R. Kosenko, H.L. Meadow, D. Rahtz M. Cicic, G. X. Jin.D. Yassuvat. D.L . Blenkhorn and N. Wright 1998, Does television viewership play a Role in the perception of quality of life? *Journal of Advertising* 27, pp. 125-142.
- turksever and gunduz atalik (2001): "possibities and limitations for the measurement of the Quality of life in urban areas", *social Indicator Research*, vol 53, 163-187.

مشخصات نویسنده:

مژگان عظیمی هاشمی، کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی و عضو هیأت علمی گروه پژوهشی علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد است. علاقه پژوهشی او در زمینه مسائل اجتماعی است.

نشانی: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد (مجموعه شریعی)

E-mail: mg_azimi@yahoo.com